

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

استاد اکبر قریشی
۲۳ جنوری ۲۰۲۲



استاد اکبر قریشی

دولت های مذهبی هیچ چیزی برای گفتن ندارند!



اگر زندگی بشر را در روی زمین مطالعه کنیم دیده می شود ، هنوز که انسانها در مراحل اولیه تکامل خود بود و مغز انسانها انکشاف تدریجی خود را طی می کرد ، تاریخ بشریت ثابت ساخته است زمانی که انسانها بر روی زمین پیدا شدند وبالای زمین ونیرو های طبیعت غلبه وحاکمیت نداشتند به پرستش طبیعت ونیروهای قهار طبیعت مانند رعد وبرق وطوفان وغیره شروع کردند. نخستین شکل دین گرایش به طبیعت است در این گرایش به منظور رام کردن نیروهای طبیعت باید از آنها تجلیل کرد و از آنها درخواست کمک و یاری نمود . دومین گرایش تجلیل از مرده هاست همانطوری که به زندگی خود علاقه داشتند مسأله مرگ هم فکر ساده انسان های اولیه را به خود مشغول کرده بود که اولین بذر عقاید دینی در دماغ شان کاشته شد که مرده ها بر حوادث غیبی ونامرئی تأثیری دارند واز آنها کمک و یاری می خواستند . باد و باران کوه وماه وستارگان و حیوانات را با حس بیم وامید پرستش می کردند .

آنها معتقد بودند که یک قوه مستور و پوشیده خارج از وجود خودش باید به او کمک کند تا در شکار همین قوه نامرئی او را یاری کند. هنوز انسانها به مهارت های خود که در مبارزه با طبیعت کسب کرده بودند ارزش قایل نبودند.

تا زمانی که انسانها مراحل تکاملی خود را می پیمودند داشتن چندین خدا و پرستش آنها مانند پرستش ارواح در گذشتگان و اعتقاد به وجود ارواح در تمامی موجودات طبیعت از ابتدائی ترین اشکال چند خدائی می باشد باور به چند ارباب النواع با خصوصیات بشری که هر یک به اداره امور بخشی از طبیعت می پردازند یکی از مهم ترین اشکال چند خدائی می باشد چند خدائی اساطیر یونانی، اساطیر رومی، اساطیر نوردیک، اساطیر سومری، اساطیر عیلامی، اساطیر بابلی، اساطیر مصری، آشوری، بعضی فرقه های هندو، از این دسته می باشند.

پرستش انسانها :

پرستش انسان هم در نقاط مختلف باعث به وجود آمدن نیمه خدایان گردید تا آن که مذاهب و ادیان جزء جدائی ناپذیر زندگانی کتله های انسانی گردید. با ریشه دوانیدن مذاهب در بین جماعت های انسانی فکر تک خدائی و گویا خدا را عامل وبه وجود آورنده جهان از بین هزاران دین و اعتقادی که در هر منطقه وجود داشت سر بلند کرد. در بعضی مناطق دو قبیله مجاور هر کدام برای خود خدائی داشت. در عربستان هم تنها در خانه کعبه صد ها بت خرد و بزرگ وجود داشت که هر یک متعلق به قبیله ای بود تا در مراحل بعدی در جنگ خدایان « الله » بر همه بتان غالب گردید.

پیوند دین و آدمی، پیوندی دیرین و پایدار، اما دستخوش تغییرات است.

دین پس از ملت، دومین عامل احساس هویت در جهان به شمار می رود. ادیان مانند تمدن های انسانی در مناطقی که قبایل متعدد زندگی می کردند به وجود آمده است و بزرگترین ادیان همه در یک منطقه و دارای ریشه های مشترک هستند که به نام ادیان ابراهیمی یاد می شوند.

ادیان ابراهیمی عبارتند از اسلام، مسیحیت و یهودیت، که بزرگترین جنگ ها و جنایات بی شمار در طول سده ها توسط پیروان این ادیان جهان را به تباهی کشانده است و تا هنوز هم پیروان این ادیان دست از جنایت نکشیده اند.

آخرین این ادیان گویا آسمانی دین اسلام است که از ۱۴۰۰ سال به این طرف در کشورهای عربی آسیائی، آفریقائی، امریکایی و اروپائی پیروان خود را دارد. مرکز دین اسلام عربستان می باشد که بعد از انتشار آن و مطیع ساختن اعراب بادیه نشین برای به دست آوردن غنایم جنگی به هر سو بنای لشکر کشی را آغاز کردند که در اثر این لشکر کشی که برای چپاول و غارت یا بنا به گفته خودشان غنایم «ویروس» دین مبین به افغانستان هم رسید که تا امروز به جز بربادی و جهالت چیزی بهتری به ارمغان نیاورده است.

انتشار دین به خاطری با موفقیت قرین بود که برای توده ها وعده برابری که سالها در زیر ستم قرار داشتند می دادند

اساساً عرب ها کدام فرهنگ برتری از ممالک مفتوحه نداشتند تا از آنها ممالک مفتوحه می آموخت و خود عربها هم از ممالک مغلوب هم چیزی نیاموختند چون که باور داشتند و تا امروز پیروان شان باور دارند که علوم تمام جهان در کتاب چند صد صفحه ای شان جمع است.

هر جا را که فتح کردند چون از علم و دانش بی بهره بودند به غیر از غارتگری و به بردگی کشاندن مردم و چور و چپاول کار دیگری انجام ندادند به همین سبب است که پیروان دین مبین تا امروز در همان جاهلیت چارده قرن قبل گرفتار هستند.

هر جنایت خود را با کتاب آسمانی توجیه کردند و از زنان و دختران مانند برده ها که در قرآن داشتن آن مجاز است تا امروز استفاده می کنند.

برده داری و حجاب مایه ننگ ادیان آسمانی است که خداوند مقرر فرموده .

در قرن جدید بعضی از کشور های اسلامی نظر به تماس های شان با دولت های دیگر جهان و تعلیم و تحصیل علوم جدید و در بعضی از کشور های اسلامی با پیدا شدن منابع عظیم نفت و گاز توانستند تا در جوامع راکد و بسته خود تغییراتی به وجود بیاورند.

مصر، اندونیزیا، ترکیه، سوریه و کشور های نفت خیز عربی تغییرات یا ریفرم هائی در کشور های خود به وجود آوردند اما در کشور ما با حدت و شدت، مالاها و قشر مفت خور جامعه با کمک و همیاری امپراتوری انگلیس در برابر ریفرم ها توده های نا آگاه را شوراندند تا نظام های کهنه که منافع شان را بر آورده می ساخت پا بر جا بماند. در عصر جدید امپریالیزم بین المللی برای عقب انداختن کشور از کاروان تمدن و کمک های بی شائبه به اسلامیست های اخوانی و طالبی برای شکست رقیب دست به کار شده و تمام زیر ساخت های کشور را که در سالهای قبل آهسته آهسته به وجود آمده بود با هجوم چوچه های یاجوج و ماجوج خود همه چیزی هائی که سرمایه ملی ما بود از بین رفته و جایش را ملا و چلی و طالبان وحشی گرفته که به علاوه ویرانی آثار فرهنگی کشور در مکاتب و مدارس و دفاتر به روی زن و مرد را بسته اند.